

ولی‌الله سیف رئیس اسبق بانک مرکزی در گفت‌وگو با «ایران»:

دولت از سیاست حذف ارز ترجیحی عقب‌نشینی نکند



عکس: علی محمدی / ایران

با یک پرس و جوی ساده می‌شود این واقعیت را به سادگی فهمید: تقریباً همه رؤسای کل بانک مرکزی در همه دولت‌ها، موافق سیاست ارز ترجیحی نبودند، اما از آنجا که تصمیم دولت بود، بنا به شأن حقوقی دولت که واجد مسئولیت مشترک همه اعضای دولت است، آن سیاست را تأیید و اجرا کرده‌اند. ولی‌الله سیف، رئیس کل اسبق بانک مرکزی از جمله این چهره‌هاست. در سال ۱۳۹۷ و ام‌جور شد سیاست تعیین نرخ ۴۲۰۰ تومان را اجرا کند که موافق آن سیاست نبود و بنا به جایگاه اقتصادی و سابقه علمی

و تجربی‌اش، دو واقعیت را می‌دانست: سیاست ارز ترجیحی به نتیجه نمی‌رسد، زمینه ایجاد فساد خواهد شد. ولی‌الله سیف در گفت‌وگو با «ایران» این نظر خود را به شیوه و ادبیات دیگری تکرار کرد: ادبیاتی که هم علمی بود و هم تجربی. بنابراین سیف را می‌توان جزو موافقان حذف ارز ترجیحی دانست: سیاستی که امروز دولت در پیش گرفته است. او را در عین حال می‌توان موافق اعطای کالبرگ به مردم هم دانست، زیرا به این ترتیب یارانه‌هایی که در ارز پرداخت می‌شد و به جای مردم به دست عده‌ای خاص می‌رسید، حالا مستقیم

به دست مردم می‌رسد. اما او دغدغه دیگری هم دارد: این دغدغه که آیا همه جامعه هدف، تحت پوشش قرار خواهند گرفت؟ و آیا دولت چهاردهم، مانند بسیاری از دولت‌های گذشته، پس از مشاهده اولین واکنش‌ها و احتمالاً تکانه‌ها، از این تصمیم درست عقب‌نشینی می‌کند؟ سیف در گفت‌وگو با «ایران» گفت که این سیاست باید ادامه یابد، زیرا منطق پیر منطق بازار است: منطقی که می‌گوید قیمت ارز را دست نیاوردی بازار یا همان سازوکار عرضه و تقاضا تعیین می‌کند، نه دست پیدا و آشکار دولت.

که ما سیاست ارزی را در دو فاز دنبال کنیم، به این معنی که ابتدا به سمت محدود کردن تعداد نرخ‌های ارز در کشور حرکت کنیم تا غیر از نرخ بازار، حداکثر یک نرخ دیگر داشته باشیم که مخصوص تأمین نیازهای اساسی کشور است. غیر از این دو نرخ، باید بقیه نرخ‌ها حذف شوند.

اما اشاره کردید که این سیاست و اجرای آن نیازمند ایجاد یک اجماع فراگیر در دولت و کل حاکمیت است، درست است، به عبارت دیگر برای اینکه به وضعیتی که در بالا اشاره کردم برسیم و آن هم با کمترین هزینه باشد، لازم است درباره این سیاست یک اجماع در همه ارکان حاکمیت ایجاد شود.

چرا بر وجود این اجماع تأکید دارید؟

به این دلیل که این سیاست به آن اشاره کردم، چیزی نیست که بانک مرکزی به عنوان رئیس کل بانک اقتصادی درست نیست. البته این تصور را هم داشتیم که این موضوع، نمی‌تواند مورد نظر و تأیید خود آقای دکتر فرزین به عنوان کسی که اقتصاد خوانده، باشد. از ابتدا مشخص بود که این سیاست به نتیجه نمی‌رسد. اما به هر حال این تصمیمی بود که به ایشان توصیه شده بود. برای همین بود که قبل از ورود به بانک مرکزی در صاحبه این نرخ را اعلام کرد. در آن زمان من توضیح دادم که ارز ۲۸۵۰۰ تومانی دقیقاً مشابه ارز ۴۲۰۰ تومانی است و دیدیم که این نرخ نیز مانند نرخ ۴۲۰۰ نتوانست به نتیجه مطلوب برسد.

آقای دکتر، فرض کنید امروز یک شهروند عادی دارد یا شما صحبت می‌کنند و از شما به عنوان صاحب‌نظر اقتصادی

که به فاصله چند دوره رئیس کل بانک مرکزی بوده است، می‌پرسد که وقتی دولت ارز ۲۸۵۰۰ تومان را به واردکننده می‌داد، چرا هیچ‌گاه کالایی که وارد می‌شد، با همین نرخ به دست من به عنوان مصرف‌کننده نمی‌رسید؟

دقیقاً به همین دلیل است که معتقدم این امر فرآیند مناسب و خوبی برای مدیریت بازار ارز واردات نیست. ببینید! در تعیین نرخ ارز ترجیحی فساد به وجود می‌آید.

این فساد به چه صورت رخ می‌دهد؟

به این صورت که بعد از اعلام این نرخ که با قیمت بازار فاصله زیادی دارد، بلافاصله گروه‌های ذینفع و با نفوذ متقاضی تخصیص و دریافت آن می‌شوند تا بتوانند از رانت مربوط به تفاوت قیمت با قیمت بازار استفاده کنند. ظاهراً این گروه‌ها به عنوان عامل استفاده از این ارز به دولت و بانک مرکزی معرفی می‌کنند و بانک مرکزی هم این ارز را به آنان اختصاص می‌دهد.

این تخصیص در ظاهر با همان هدف که کالا با نرخ ارزان‌تر به دست مصرف‌کننده برسد، صورت می‌گیرد، اما در عمل می‌بینیم کالایی که برای وارداتش از ارز ترجیحی استفاده شده با قیمت مبتنی بر بازار آزاد به دست مصرف‌کننده می‌رسد. مشخص است که در این بین عده‌ای سوءاستفاده کرده و با فساد از این مابه‌التفاوت منتفع شده‌اند.

به همین دلیل شاهد پرونده‌های فساد، به تعداد زیاد بوده‌ایم. یکی از معروف‌ترین آنها هم پرونده فساد جای دیش بود و مانند اینها. بنابراین، امروز هر تصمیمی که دولت می‌گیرد، باید به فکر اعمال نظارت و کنترل اجرای دقیق آن هم باشد تا جلوی بروز فسادهایی از این دست گرفته شود.

دولت اعلام کرده است که ارز ترجیحی را حذف می‌کنیم و منابع و مبالغ آن را مستقیماً به صورت کالبرگ به مردم خواهیم داد. این یارانه دیگر به صورت نقدی نیست که باعث تورم شود و به صورت کالایی خواهد بود. دیدگاه شما درباره این سیاست چیست؟

نظر من همان برنامه‌ای است که اشاره کردم، یعنی تعریف یک برنامه زمانبندی شده تا نرخ‌های دستوری در یک برنامه بلندمدت حذف شوند و به جای آن، گروه‌هایی که هدف اختصاص کمک‌های دولت هستند و اقشار فرودست یا دهک‌های پایین جامعه بتوانند به صورت نقدی مبالغ یا کمک‌هایی را به عنوان کمک‌های جبرانی دولت دریافت کنند.

مسئله این است که وقتی ۲۸۵۰۰ تومانی حذف و مثلاً یک ارز ۱۰۰ هزار تومانی به عنوان مینا قرار می‌گیرد، در اینجا یک تفاوت ریالی مشخص از بابت نرخ ارز حاصل می‌شود که می‌تواند در جهت حمایت از خانوارهای فرودست مورد استفاده قرار گیرد. در اینجا مسأله مهم این است که چگونه گروه‌های هدف را رابطه با همین مسأله در یک برنامه دارند، شناسایی شوند و منابع مذکور به دقت به آنها تخصیص داده شود.

در گفت‌وگو با دکتر شریف‌زادگان، ایشان دو مشکل برای طرح دولت عنوان کرد: یکی اینکه ما نباید در طولانی مدت این کمک‌ها را به مردم بدهیم، بلکه باید مقطعی باشد. دوم اینکه ایشان ضمن حمایت از یارانه کالبرگی، نگران این مسأله بود که آیا وزارتخانه‌ها و سازمان‌های ذیل می‌توانند آن را به درستی اجرا کنند یا خیر؟

نظرات دکتر شریف‌زادگان صائب است، به ویژه اینکه ایشان مسئولیت‌های مرتبط هم داشتند. من هم ضمن تأیید نظرات ایشان، این مسأله را مطرح می‌کنم که اولاً شیوه فعلی به طور قطع نمی‌تواند جوابگو باشد، زیرا به رغم تخصیص ارز ۲۸۵۰۰

تومانی، کالای وارداتی با ارز آزاد دست مصرف‌کننده رسیده است. بنابراین شیوه فعلی نمی‌تواند مفید باشد و هرچه زودتر باید اصلاح شود. اما آنچه مهم است، این است که این اصلاح نباید با تکانه همراه باشد، زیرا در شرایط فعلی نباید شوک ایجاد کنیم و با تصمیم ناگهانی، مشکل جدیدی را ایجاد کنیم، بلکه باید برنامه‌ای دقیق تدوین و مطابق آن به تدریج مشکل را حل کرد. ضمن اینکه من هم معتقدم که سیاست کمک جبرانی یا کالبرگی نباید تبدیل به یک سیاست دائمی شود.

شما عنوان کردید که برخی رانت‌جویان در دوره شما با اسلحه کمری وارد بانک مرکزی شدند. به نظر شما این رانت‌جویان در مقابل حذف ارز ترجیحی ۲۸۵۰۰ تومانی هم مقاومت یا اختلال خواهند کرد؟

تجربه من، به صورت بسیار روشن این را می‌گوید که هر کسی که بخواهد روند‌های باطل را اصلاح و جلوی فسادها و رانت‌خواری‌ها را بگیرد، ذینفعان بر نفوذ این جریان‌ات بیکار نخواهند نشست و قطعاً بدون مشکل نخواهد بود، اما نکته این است که جز اجرای این سیاست، چاره دیگری نیست. بالاخره آنان سعی خود را خواهند کرد، اما باید با آنان برخورد شود و با عزم جدی و برنامه دقیق کار را پیش برد.

ضمن اینکه به مرحله دوم تدوین کنندگان این سیاست در دولت یا بانک مرکزی برای مقابله با این فشارها، باید کل حاکمیت را در جریان قرار بدهند که قرار است چه سیاستی اجرا شود و این سیاست چه منافع را قطع خواهد کرد. یا اینکه توضیح داده شود که این سیاست چقدر برای اقتصاد کشور و رفاه مردم اهمیت دارد. اینها کارهایی است که حتماً باید انجام شود. اگر ما قبول داریم که زیربنای عمده مشکلات ما با فساد به صورت ریشه‌ای برخورد شود و برخورد ریشه‌ای با فساد هم از این طریق عملی است، در غیر این صورت مطرح کردن چند پرونده و برخورد با چند مقصد مسأله فساد را علاج نخواهد کرد.

برخی معتقدند که این یارانه گرچه به صورت کالایی است، اما تورم هم ایجاد خواهد کرد؛ دیدگاه شما چیست؟

این سیاست دولت یعنی دادن کالبرگ به تقاضا دامن نمی‌زند، حتی می‌تواند اثر عکس بگذارد. توضیح اینکه به عنوان مثال وقتی بنزین یا نان را ارزان می‌خریم، این ارزان بودن باعث می‌شود کالا نامحدود با قیمت ارزان در اختیار همه قرار بگیرد. برای همین می‌شنویم که برخی نان را چون ارزان تهیه می‌کنند، به مصرف خوراک دام هم می‌رسانند. یعنی قیمت نان علیرغم هزینه‌های بالای تولید از علوفه و جو هم ارزان‌تر است. یعنی منابع محدود را به این ترتیب مورد اسراف و تزییر قرار می‌دهیم. در صورتی که اگر این کالا توسط فروشنده به قیمت واقعی عرضه شود، تقاضاهای کاذب و غیرمنطقی را کاهش می‌دهد و بازار به یک تعادل جدید می‌رسد. یعنی وقتی قیمت کالا در قفسه‌ها به قیمت واقعی بازار نزدیک باشد، تقاضای زیادی که برای آن کالا در شرایط ارز ترجیحی یا ارزان ایجاد شده بود، بسیار کاهش می‌یابد و هرکسی صرفاً به اندازه نیاز واقعی خودش تقاضا ایجاد می‌کند.

اعلام شده بود ۸ میلیارد دلار که برای واردات کالاهای اساسی تعیین شده بود، در ۶ ماه نخست امسال مصرف شد. حالا به نظر شما این منابع کالابرج در سیاست جدید از کجا تأمین می‌شود؟ از صندوق توسعه ملی تأمین می‌شود؟ آنچه که به عنوان منابع صندوق توسعه ملی مطرح می‌شود، در واقع نزد بانک مرکزی قرار دارد. برداشت از حساب این صندوق، به معنای اعمال یک نوع عملیات دفتری حسابداری است، یعنی مبالغی از طلب ارزی صندوق نزد بانک مرکزی کسر می‌شود و در مقابل آن بانک مرکزی ریال پرداخت می‌کند. یعنی به صورت ففتری از بدهی بانک مرکزی به صندوق کسر می‌شود و در مقابل بانک هم ریال آن را در اختیار دولت قرار می‌دهد و این یعنی پایه پولی بار دیگر افزایش می‌یابد.

برای جبران تورم ناشی از این تصمیم چه باید کرد؟

به نظر من باید حتماً صرفه جویی‌های جدی انجام شود تا از محل این صرفه جویی‌ها بتوانیم در درجه اول از مورد نیاز برای کالای اساسی را تأمین کنیم. زیرا به دلیل محدودیت منابع ارزی، باید دقت کنیم تخصیص این منابع، بهینه و صرفاً برای اولویت‌های اصلی کشور باشد. نکته مهم دیگر این است که امروز ما اجازه می‌دهیم هر کالایی وارد کشور بشود، بدون اینکه بررسی کنیم این کالا واقعاً تا چه حد برای کشور ضروری است.

چرا این وضعیت وجود دارد؟ توجیه آن این است که اینگونه واردات از محل ارز متقاضی است و یا اینکه بدون انتقال ارز وارد می‌شود. این استنباط اصلاً درست نیست همه این منابع از محل فعالیت‌های اقتصادی کشور است که در بازار ارز عرضه می‌شود. یعنی جزئی از عرضه در بازار ارز کشور است، می‌توان بر اساس سیاست‌های تجاری کشور تقاضای ارز در این بازار را ساماندهی کرد. آنچه مسلم است در شرایط تحریم و محدودیت‌های ارزی فعلی، سیاست باید به نحوی عمل کند که منابع محدود ارزی برای تأمین نیازهای اساسی و ضروری‌تر مورد استفاده قرار گیرد.

به عنوان مثال در شرایط فعلی کشور، آزاد بودن واردات طلا یا خودرو نیاز به تجدید نظر جدی دارد. نباید اجازه داد که شود که چون واردکننده سود بیشتری از واردات طلا یا خودرو نصیب می‌شود این واردات را نسبت به مواد اولیه واحدهای تولیدی ترجیح دهد. مخصوصاً در شرایطی که برای تأمین کالاهای اساسی مشکل داریم. اجازه واردات همه کالاهای بدون توجه به اولویت نیاز داخلی، مانع تخصیص بهینه منابع ارزی شده و علاوه بر آن تقاضا را در بازار ارز دامن می‌زند که نتیجه آن تسریع در روند افزایشی قیمت ارز در بازار است. برای همین است که معتقدم اجرای سیاست جدیدی که دولت در پیش گرفته، نیازمند همکاری و همراهی جدی و همه جانبه همه دستگاه‌ها و وزارتخانه‌های دیگر است. بر خلاف تصور غالب وقتی قیمت ارز افزایش پیدا می‌کند، الزاماً به این معنی نیست که بانک مرکزی کوتاهی کرده و مقصر است بلکه نشان‌دهنده ضعف و ناهماهنگی در عملکرد اقتصاد کشور است و اگر اقتصاد کشور به خوبی اداره شود یعنی همه دستگاه‌ها وظایف خود را به درستی انجام دهند، بانک مرکزی هم قادر خواهد بود وظایفش را به درستی انجام دهد.



بهبتر این است که ما سیاست ارزی را در دو فاز دنبال کنیم، به این معنی که ابتدا به سمت محدود کردن تعداد نرخ‌های ارز در کشور حرکت کنیم تا غیر از نرخ بازار، حداکثر یک نرخ دیگر داشته باشیم که مخصوص تأمین نیازهای اساسی کشور است. غیر از این دو نرخ، باید بقیه نرخ‌ها حذف شوند



بیش

در شرایط فعلی اقتصاد کشور، با فشار تحریم، فشار تورم و مانند آن، درست است که سیاست جدید دولت ناگهانی است، اما فکر نمی‌کنید بهتر از منفعل بودن است که هم ارز را بدهیم و هم کالا گران به دست مردم برسد؟

همان‌طور که گفتیم، ما نیازمند این هستیم که برنامه مشخصی داشته باشیم، یعنی برنامه‌ای که در آن خانواده‌های نیازمند به دقت شناسایی شوند، در مرحله بعد سیاست دولت



بیش